

پرتطرفدارترین فرقه‌های نو در ایران

اعتبار دادن به بعد معنوی زندگی از طریق آموزه‌هایی که هم نو بوده و هم تکالیف خاصی را بر عهده فرد نمی‌گذارد، جذابیت خاص خودش را دارد؛ جذابیتی که موجب می‌شود کم‌کم عرفان‌های نوظهور رایج شود و افرادی را شیفته خود گردانند.



اعتبار دادن به بعد معنوی زندگی از طریق آموزه‌هایی که هم نو بوده و هم تکالیف خاصی را بر عهده فرد نمی‌گذارد، جذابیت خاص، خمدش، ادا، جذابیت، که محب، م، شمد کم‌کم عفا، ها،، نهظم، ا، اح شده افاده، ا، شفته خمد گ‌داند. در این باب با حجت الاسلام دکتر مهربان صادق نیا، استاد و عضو هیات علمی دانشگاه ادیان و مذاهب که دارای دکترای جامعه‌شناسی فرهنگ است، صحبت کردم تا بدانم مهم‌ترین شاخه‌های عرفان نوظهور و نمادهایشان چیست و کم‌کاری در کدام ابعاد دین الهی موجب ایجاد چنین گرایش‌هایی می‌شود.

در بحث عرفان‌های نوظهور کدام گرایش‌ها برگرفته از مسیحیت یا یهودیت بوده که امروز رواج زیادی یافته است؟

جنبش‌های معنوی نوظهور یا ادیان جدید که معمولاً با عنوان NRMS شناخته می‌شود، مساله‌ای اجتماعی است که پیامد‌های آن همگرایی و انسجام اجتماعی را تهدید می‌کند و آسیب‌های آن بیش از هر کس جوانان را تهدید می‌کند. اولین موج پیدایش فرقه‌های دینی جدید در غرب در سنت‌های دینی یهودی و مسیحی آشکار شد. «بیداری‌های بزرگ» در آمریکا، «علم مسیحی»، «شهود یهوه» و «مورمون‌ها» که در قرن 19 ظهور کردند، تقریباً همگی مشترکاتی با سنت یهودی - مسیحی داشتند. این سنت‌ها تا اندازه‌ای امروزه در جامعه ایران یافت می‌شود؛ اما موج جدیدتر ادیان جدید، اولاً به ادیان غیرابراهیمی نظیر هندوئیسم، بودیزم و شینتو تمایل و گرایش دارد و ثانیاً ترکیبی التقاطی از ادیان رسمی، مفاهیم اومانیستی و سایکولوژیک در قالبی تجربه‌گرایانه مهیا ساخته‌اند. افزون بر این، جامعه‌شناسان دین از ادیان بسیار جدیدی نیز یاد کرده‌اند که خصوصیت فروگاهشی دین در آنها بسیار ملموس‌تر و مشهودتر است. به طور کلی، سیری فروگاهشی در ادیان جدید دیده می‌شود: 1 - به مثابه وحی لایتغیر الهی به دین‌چنان عناصر معنوی و تجربی؛ متفرق و انتخابی اما معطوف به غایت الهی؛ 2 - از این دین معنوی فروگاسته به دین معنوی معطوف به غایات اومانیستی؛ 3 - از دین اومانیستی به دین مصرفی عرضه شده در بازار دینی؛ 4 - از بازار دینی به دین‌چنان ابزاری معطوف به اهداف اقتصادی دون پایه.

به هر روی، امروزه بسختی می‌توان گفت یک گرایش دینی جدید لزوماً تنها به یک دین سنتی وابسته است یا خاستگاهش یک دین سنتی خاص مانند مسیحیت یا یهودیت است.

کدام فرقه‌ها امروز در ایران شهرت زیادی پیدا کرده‌اند؟

بعضی از این فرقه‌ها (البته به صورت گزینشی) عبارتند از:

تولیک: طریقه تولیک دو بعد اصلی دارد؛ یکی بعد اخلاقی است که تقریباً اموری کلی را که بیشتر صبغه اخلاقی دارد به پیروان توصیه می‌کند. نمونه این تعالیم را می‌توان در کتاب «چهار میثاق» اثر دون میگوئل روئیز ملاحظه کرد. بعد دیگر، سیر در عوالم رویایی و دستیابی به تجربیات فرامادی است. بر خلاف برخی مکاتب مانند گورجیف و اشو در این مکتب رویابینی، هنری معنوی محسوب می‌شود و تنها کافی است تعالیم لازم برای بهبود آن دریافت شود. در حقیقت، رویابینی ارادی مهارتی معنوی است که باید آن را کسب کرد. سرخپوست‌ها در گذشته برای سیر در عوالم رویایی از روش‌های دیگری جز تمرینات معنوی نیز استفاده می‌کردند.

رام الله: از جنجالی‌ترین و در عین حال پرتطرفدارترین فرقه‌هایی است که طی این یکی دو دهه در ایران ظهور کرده است. چنان که از اسمش پیداست، ترکیبی است از هندوئیسم، مسیحیت و اسلام که در واقع آیینی تمام‌نمای هیچ کدام از این ادیان نیست. رهبر این فرقه شخصی است به نام «پیمان فتاح» که خود را خالق فتاح، ایلیا، رام الله و الیاس می‌نامد و از سوی مریدانش شخصیتی آسمانی، خارق‌العاده و مقدس معرفی می‌شود. در عین حال، برخی پیروان پیمان فتاح او را «آواتار» به معنی «تجسم جریان حقیقت»، «روح مجسم حق» و «تجسم الهی» نامیده‌اند. درباره او گفته‌اند: رام الله همیشه با لباس‌های مشکی در میان مردم ظاهر می‌شد و با لحن خاصی صحبت می‌کرد.

اکنکار: این گروه دینی، سال 1965 توسط شخصی به نام «پال توتیچل» پایه‌گذاری شد. چون در آیین او اعتقاد راسخی به استاد زنده «اک» وجود داشت و توتیچل خود را وارث یک سنت باستانی و نهصد و هفتاد و یکمین استاد زنده اک می‌خواند، پس از او مساله جانشینی‌اش با بحران همراه شد. «داروین گراس» پس از وی به عنوان نهصد و هفتاد و دومین استاد زنده اک معرفی شد، اما پس از چندی با مخالفت‌های فراوان مواجه شد و در نهایت از سمت خود برکنار گردید. اکنون هارولد کمپل به عنوان استاد زنده اک مشغول فعالیت است.

در مکتب اکنکار سفر روح نقشی کلیدی دارد؛ سفر روح یعنی حضور همزمان در دو مکان. اکیست‌ها باید مهارت سفر روح را بیاموزند و از این طریق حالات دینی و معنوی را تجربه کنند. در جهان بینی اک، جهان از نور و صوت خدا یا به تعبیر خودشان «سوگماند» تشکیل شده و غایت یک اکیست همکاری با سوگماند است.

عصر نو: یک اصطلاح فراگیر است که بر شبکه گسترده‌ای از افراد و گروه‌های کم‌وبیش همپوش با معتقدات و جهتگیری‌های

بسیار متفاوت اطلاق می شود. درباره حد و مرزهای عصر نو ممکن است گفته شود آمیزه ای از جنبش های استعداد بشری، نوپاگانیسم، فکرنو، رازورزی شمنیسم یا ویکا یا جادوگری است. در این باره هیچ اتفاق نظری وجود ندارد.

شیطان پرستی: شیطان پرستی واکنشی در برابر مسیحیت بوده و واقعه نادری به شمار می رود. از اواخر قرون وسطی، جادوگران را متهم به شیطان پرستی می کردند، ولی تقریباً هیچ سند معتبری دال بر وقوع آن وجود نداشت. فرض می شود آیین اصلی و مشخصه شیطان پرستی مس سیاه است؛ یعنی هزل کفرآمیزی از عشایی که کشیش خلع لباس شده برگزار می کند، همراه با شمع های سیاه و پیکرهای مسیح بر صلیب وارونه که شامل آلودن نان و شراب مقدس، آزادی افراطی روابط جنسی و گاهی قربانی کردن حیوانات وحشی از سوی انسان می شود.

چه وجوه مشترکی در عرفان های نوظهور موجب می شود در نظر مخاطب درخشان و تاثیرگذار و راهگشا باشند؟

دلایل زیادی ممکن است برای این گرایش بویژه در میان جوانان یافت. شاید دلیل نخست، خصلت مهم مدرنیته در زیر سوال بردن همه آتوریته ها و مرجعیت ها و تاکید بر خود است. این خصلت سبب می شود شهروندان مدرن کمتر بر معرفت های دینی مبتنی بر مرجعیت های رسمی دینی تکیه کنند و فهم خود و نیز دریافت های خویش را محور دینداری قرار دهند؛ چیزی که با خصلت های عمومی این ادیان سازگارتر است تا ادیان سنتی. تاکید این ادیان بر معنویت های بدون آیین و تکلیف نیز می تواند دلیل عمده ای برای ایجاد جذابیت باشد. این ادیان معمولاً نوعی عرفان و معنویت را معرفی می کنند که تکالیف کمتر یا راحت را به دنبال دارد. به عنوان نمونه، یاران علی محمد باب با ندای زمینه سازی برای ظهور قائم جعلی خود در جریان بدشت و... به آلودگی های اخلاقی گرفتار شدند و راحت کشتار می کردند و همه کارهای خود را نشانه شیفتگی به موعود و رهبرشان می دانستند.

خصلت نو بودن نیز می تواند تا اندازه ای جذاب باشد. گرایش به شیوه های نو بخصوص برای جوانان جالب است؛ تعداد قابل توجهی از جوانان که احساس می کنند در قالب جلسات خاص یا برنامه های منظم سیر و سلوک و القاب و عناوین جدید رشد می کنند، این احساس کاذب نو را به فال نیک می گیرند؛ لذا پس از آن که روشن می شد نتیجه ای به دست نیآورده اند، گروهی از آن سرخورده شده و آن را مانند روش های قبلی کنار گذاشته اند.

خصلت درمانگرابودن نیز در این ادیان وجود دارد که تا اندازه زیادی می تواند جذاب باشد. روان درمانگرایی در این ادیان به این معناست که این عرفان های نوپا مدعی اند التزام به آنها موجب فروکاهش ناراحتی ها و تشویش های روحی - روانی می شود. به همین دلیل شماری از جوانان با دست زدن به این تجربه های عرفانی جدید در حقیقت تلاش دارند به روان درمانی دست بزنند؛ چیزی که ممکن است برای زمانی محدود به درستی یا نادرستی حاصل آید. البته برخی ناتوانی ها در معرفی ادیان اصیل و سنتی نیز ممکن است به این تمایلات شتاب دهد.

آیا عرفان های مذکور، نمادهای خاصی هم دارند که مردم ناآگاهانه به سمت آنها گرایش پیدا کنند؟

نمادگرایی از خصلت های نمایان این ادیان است. تعیین نماد در این ادیان نقش مهمی در انسجام درونی افراد و نیز همگرایی اعضا دارد. افزون بر آن، این نمادها می تواند موجب رشد و توسعه این ادیان گردد. تجربه نشان داده است رشد و توسعه این ادیان معمولاً از طریق توسعه و گسترش نمادهای این ادیان که ممکن است در پوشش یا آرایش و در سمبل هایی خاص باشد، صورت می گیرد. مردم کشورهای میزبان قبل از آشنایی با ادبیات دینی و تعالیم این ادیان، ابتدا با نمادهای این ادیان آشنا می شوند.

آیا این گرایش های ناآگاهانه در زندگی افراد در گذر زمان (حتی نه چندان طولانی) تاثیرگذار خواهد بود؟

بله، طبیعی است. باورهای دینی ممکن است ابتدا با نوعی گرایش های نمادین و ناخودآگاه آغاز شود؛ یعنی اول نمادها وارد حیات فکر انسان می شود و پس از آن معنای نهفته در پس آن نمادها.

آیا مسیحیت و یهودیت خود دارای عرفان های اصیل هستند؟ این مبانی عرفانی تا چه اندازه پیرو دارند و تا چه اندازه تبلیغ می شوند؟

بله. البته بستگی دارد شما اصیل را چه معنا کنید. گرایش های عرفانی یهودی پیشینه درازی دارند. تقریباً از اوایل قرون وسطی ما شاهد پیدایش و رشد این جریانات هستیم. کتاب زهر، نمونه بارزی از این عرفان است. البته در مسیحیت نیز این گرایش ها وجود دارد. با این حال، این جریانات عرفانی اصیل از آسیب های ناشی از آنچه بیشتر به آن اشاره شد در امان نمانده اند.

چهل ما نسبت به توانایی های بالقوه دینمان تا چه اندازه موجب دلدادگی و گرایش به این عرفان ها شده است؟

بی تردید این گونه است. وقتی انسان از داشته های خود آگاهی نداشته باشد، به آنچه دیگران دارند تمایل نشان می دهد. عرفان اصیل اسلامی و نیز مکتب متعالی شیعه، سرشار است از آموزه های انسانی و عرفانی عمیق که می توانند سعادت اخروی انسان و نیز آرامش و بهزیست این جهانی او را فراهم آورند. وقتی انسان با این عمق و غنا آشنا نباشد، ممکن است هر شعار فریبنده ای او را به سمت ادعای دروغینی که در این ادیان وجود دارد، سوق دهد.

ما در کدام جنبه های اسلام ضعیف تر عمل کرده ایم که سخنان این گروه ها در وهله اول برای بعضی افراد درخشان تر از آموزه های اسلامی است؟

واقعیت آن است که ما در جنبه های مختلفی کوتاهی کرده ایم، اما آنچه سبب رشد این جریان ها شده، به گمان من کم کاری در امر تبیین آموزه های اخلاقی دین و کوتاهی در زمینه بیان آموزه های رحمانی و نشان دادن چهره انسانی، نورانی، آرامبخش و عطوف اسلام است. تاکید بر برخی ابعاد دین و نپرداختن به برخی دیگر از ابعاد آن سبب می شود چهره ای کاریکاتوری و

غیر واقعی از دین نشان داده شود که ممکن است به تمایل جوانان به عرفان های دروغین جدید کمک کند.
حورانژاد صداقت / جام جم